

فروز خان

علی حسینی



فروز خان کی زندگی اور خدمات کا ایک تفصیلی خاکہ ہے۔ اس کتاب میں ان کی علمی و ادبی خدمات، ان کی سوانحی داستان اور ان کی عوامی زندگی پر روشنی ڈالی گئی ہے۔

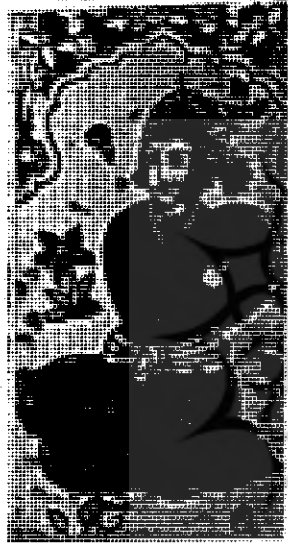
فروز خان نے اپنے دور میں ہندوستان کی آزادی کے لیے کئی جدوجہدیں کیں۔ ان کی قلمی خدمات اور ان کی سوانحی داستان اس کتاب میں پیش کی گئی ہے۔

ان کی زندگی اور خدمات کا ایک تفصیلی خاکہ ہے۔ اس کتاب میں ان کی علمی و ادبی خدمات، ان کی سوانحی داستان اور ان کی عوامی زندگی پر روشنی ڈالی گئی ہے۔





رشد آموزش هنر
 شماره ۵۷
 بهار ۱۳۸۶



در این مقاله به بررسی سبک زندگی و هنرهای مردمی ایران در دوره صفویه پرداخته می‌شود. در ابتدا به تغییرات سبک زندگی در این دوره اشاره می‌گردد. سپس به بررسی هنرهای مردمی، از جمله فرش‌بافی، کاشی‌کاری، سبزه‌بافی و صنایع دستی دیگر، پرداخته می‌شود. در ادامه به بررسی سبک معماری و هنرهای نمایشی در این دوره می‌پردازیم. در پایان، به بررسی سبک زندگی و هنرهای مردمی ایران در دوره قاجار و پهلوی نیز اشاره می‌گردد.

سبک زندگی و هنرهای مردمی ایران در دوره صفویه یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ فرهنگ و هنر ایران است. در این دوره، سبک زندگی و هنرهای مردمی ایران به یک سطح بسیار بالایی رسید. در ابتدا، به بررسی سبک زندگی در این دوره می‌پردازیم. در این دوره، سبک زندگی مردم ایران به یک سطح بسیار بالایی رسید. در این دوره، سبک زندگی مردم ایران به یک سطح بسیار بالایی رسید.

هنرهای مردمی ایران در دوره صفویه یکی از مهم‌ترین هنرهای مردمی ایران است. در این دوره، هنرهای مردمی ایران به یک سطح بسیار بالایی رسید. در این دوره، هنرهای مردمی ایران به یک سطح بسیار بالایی رسید. در این دوره، هنرهای مردمی ایران به یک سطح بسیار بالایی رسید.

سبک معماری و هنرهای نمایشی در دوره صفویه یکی از مهم‌ترین هنرهای مردمی ایران است. در این دوره، سبک معماری و هنرهای نمایشی ایران به یک سطح بسیار بالایی رسید. در این دوره، سبک معماری و هنرهای نمایشی ایران به یک سطح بسیار بالایی رسید.

سبک زندگی و هنرهای مردمی ایران در دوره قاجار و پهلوی یکی از مهم‌ترین هنرهای مردمی ایران است. در این دوره، سبک زندگی و هنرهای مردمی ایران به یک سطح بسیار بالایی رسید. در این دوره، سبک زندگی و هنرهای مردمی ایران به یک سطح بسیار بالایی رسید.



پژوهش‌های
دوره‌ی چهارم به شماره‌ی ۲
بهار ۱۳۸۲

شنیدن صدای آنان به معنی پایان زمستان‌های سخت و سرد، بشارت گرم شدن هوا، و در نتیجه شکوفایی و رویش گیاهان بوده است. از این گذشته، فرا رسیدن نوروز که خود سرشار از خاطره‌های قومی و ملی و حاکی از پیوندهای ناگسستنی انسان و طبیعت بوده است و جشنی کهنسال را تداعی می‌نمود، به سبکباری روح مردم و ایجاد شرف و شادمانی درونی می‌انجامید. بنابراین، نوروزخوانی نماد میمنت و خیر و برکت، شادمانی و سرور، رفاه و آسایش و فراوانی بوده است [همان، ص ۲۳].

مشترکات نوروزخوانی در میان فرهنگ‌ها و پاره‌فرهنگ‌های ایرانی به شرح زیر است:

۱. موسیقی آوازی از ارکان اصلی نوروزخوانی بود و اشعار در مراسم نوروزخوانی همواره با موسیقی و لحن ویژه‌ای به اجرا درمی‌آمد.
۲. در همه‌ی فرهنگ‌ها، نوروزخوانی فائده‌ی بیان‌سازی بوده است.
۳. اشعار نوروزخوانی در همه حال معطوف به حلول سال نو، ستایش پروردگار، توصیف بهار و طبیعت، رثای پیامبر و اولیا یا ائمه، و نیز مدح سلاطین، امیران، بزرگان و همچنین صاحبان منازل و مشاغل بوده است.
۴. در همه حال و همه‌جا، نوروزخوانان لااقل از گروهی دو نفره و گاه چندنفره تشکیل می‌شدند.
۵. با مطالعه‌ی نمونه‌ها در همه‌ی

نقل قصه در قصه را ارائه کرده‌اند. به این ترتیب که مثلاً با طرح قصه‌ی آدم و حوا و قبل از این که آن را به انجام نهایی برسانند، گریزی به داستان نوح پیامبر می‌زدند و بلافاصله موضوع مبارزه‌ی حضرت علی (ع) با اژدها را طرح می‌کردند و پس از آن و بی‌انقطاع، به ذکر برخی از رویدادهای مؤثر حوادث کربلا می‌پرداختند. این شیوه در آن واحد مخاطبان را در معرض موضوعات متفاوتی قرار می‌داد؛ به گونه‌ای که گویی چند پیش‌برده از برابر چشمان آن‌ها عبور می‌کرد و نوعی هیجان مضاعف در ذهن آن‌ها شکل می‌گرفت.

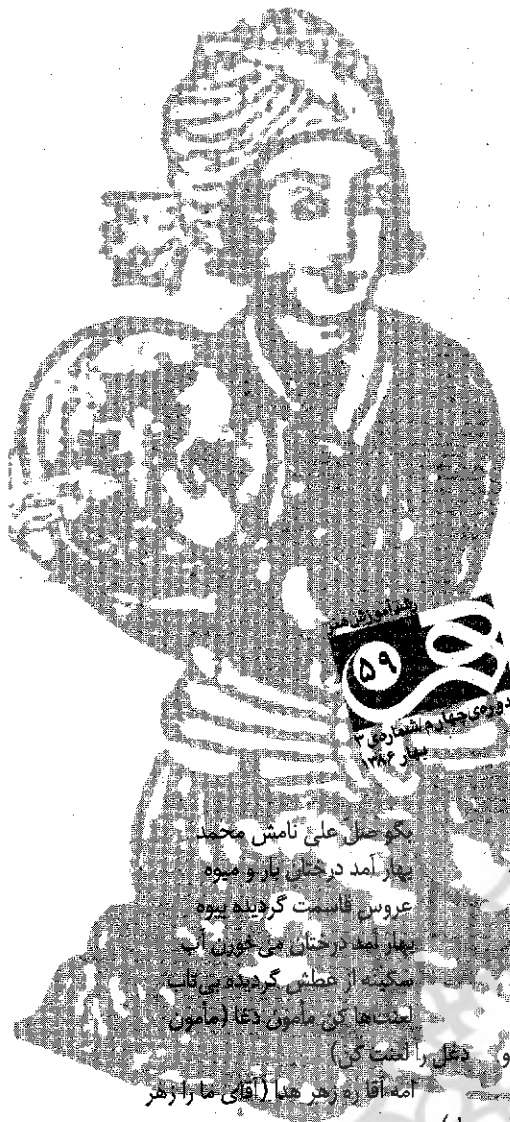
این روش علاوه بر ایجاد هیجانانگیز پیش‌گفته، مخاطبان را با حجم گسترده‌ی دانش اسطوره‌ای، تاریخی، دینی و مذهبی نوروزخوانان مواجه می‌ساخت و در بهت و شگفتی فرو می‌برد. در هر صورت، نوروزخوانان در بخش روایی کار خود، روایت کامل یا خلاصه‌ای از داستان‌ها را بازگو می‌کردند و از این طریق، به اشاعه‌ی نمونه‌ای منحصر به فرد از نقل‌های بومی و تلفیقی می‌پرداختند [همان، صص ۱۸ و ۱۹].

نوروزخوانان بشارت‌دهنده‌ی بهار بوده‌اند و قرن‌ها براساس سنتی نهادینه

و ملوک، و در توصیف بهار و جلوه‌های آن بوده است. با آمدن اسلام و پذیرش این دین از سوی ایرانیان، نوروزخوانان برای بقا و تداوم این آیین نوروزی، مضامین آن را با برخی روایات و احادیث دین اسلام و به‌خصوص مذهب شیعه آمیختند و بدین طریق آن را با اعتقادات و باورهای نویافته‌ی ساکنان بجز ایران و برخی نواحی هم‌جوار، هم‌سو و هماهنگ ساختند.

از اوایل دهه‌ی ۱۳۵۰، این آیین و موسیقی مربوط به آن‌رو به فراموشی گذاشت و در حال حاضر، مشاهده‌ی چنین مراسمی استثنایی و بسیار نادر است. بنابراین، علاوه بر این که ممکن بوده است، روایات نوروزخوان با اصل تاریخی اتفاقات و حوادث مختلف باشد، بلکه اشعار نیز در اجراهای متفاوت - حتی از یک نوروزخوان - دستخوش تغییرات گسترده‌ای می‌شده است. ولی مسلم است، تغییرات مضمونی در پی سالیان و به صورت بطئی و تدریجی صورت می‌پذیرفته، به گونه‌ای که تغییرات یاد شده هیچ‌گاه با ذهن مخاطبان نامأنوس و نااهماهنگ نبوده است.

نوروزخوانان با طرح و ادغام خلاصه‌ای از داستان‌های گوناگون، نوعی



فرهنگ‌ها در می‌یابیم که بخشی از الحان و آواز نوروز خوانی مأخوذ از موسیقی مقامی یا بومی است. با این حال بخش قابل توجهی از موسیقی نوروز خوانی را در این فرهنگ‌ها، ترانک‌هایی تشکیل می‌دهند که دارای جوهره‌ی ملی و ایرانی هستند.

۶. پیوسته یک نفر به عنوان سرخوان یا سر بیت‌خوان و یا شیرخوان (شرخون)، در جایگاه نوروز خوان اصلی قرار می‌گرفته و لاقل یک نفر - و در برخی مناطق چند تن - به عنوان پی‌خوان و یا هم‌سرا، به اجرای گوشواره‌ها و ترجیح‌بندها می‌پرداخته و نوروز خوان را همراهی می‌کرده است.

۷. در بیشتر نوروز خوانی‌ها، سنت بداهه خوانی و بداهه سرایی، به عنوان یکی از سنت آوازی اقوام ایرانی، اصل مهمی محسوب می‌شد و میزان تسلط و تبحر نوروز خوانان از طریق تسلط آنان به اجرای بداهه آشکار می‌گردید.

۸. اشعار دوازده امام، موسوم به امام خوانی، در همه‌ی مناطق البرز شکل واحدی داشته و فرم تثبیت شده‌ی گونه‌ای ترجیح‌بند بوده است. تغییراتی که در اشعار دوازده امام و در فرهنگ‌های مختلف ملاحظه می‌شود، اندک و ناشی از سنت و تأثیرات بداهه سرایی نوروز خوانان بوده است.

۹. در بیشتر فرهنگ‌ها، خاصه نواحی گوناگون البرز، نوروز خوانان در قسمت پایانی کار با اشعاری مبتنی بر بداهه به معرفی نام و نشان خود و پی‌خوان می‌پرداختند و از حرفه‌ی اصلی و نیز

میزان دارایی و امکانات خود سخن به میان می‌آوردند.

۱۰. اشعار طنز و هجو در همه‌ی نواحی تنها در صورتی خوانده می‌شوند که صاحبان منازل و مشاعل از دادن انعام به نوروز خوان سرباز می‌زنند و یا هدیه‌ی قابلی پیشکش نمی‌گردند.

۱۱. واژه‌ی نوروز و بهار در همه‌ی نوروز خوانی‌ها بارها و بارها تکرار می‌شود و در اکثر فرهنگ‌ها، واژه‌ی نوروز یکی اصلی‌واژگان مربوط به اشعار ترجیح‌بندها بوده است.

۱۲. برخی از ترجیح‌بندها با اندکی تحریف در اشعار نوروز خوانی‌های همه‌ی فرهنگ‌های مورد مطالعه، مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

این خصایص، شناسه‌های غیر متغیر نوروز خوانی‌ها و نظام محتوایی و ساختاری بیشتر نوروز خوانی‌ها را در فرهنگ‌ها و پاره‌فرهنگ‌ها تشکیل می‌داده‌اند [همان، صص ۲۷ تا ۲۹].

شعر زیر، نمونه‌ای از اشعار نوروز خوانی مازندران است.
اول گویم به نام این خدا را
کریم و لم یزل بی‌مدعا را
همین گویم امام اولین را
شاه کشور امیرالمؤمنین را
محمد گل به گل قربان نامت
علی شیر خدا قنبر غلامت
هر کس خانه‌ی محمد را شناسد

بگو صل علی نامش محمد
بهار آمد در خلی بار و میوه
عروس فاسمت گردید بیوه
بهار آمد در خلی بی خون آب
سکینه از عطش گرده‌ده بی تاب
لبت‌ها کن مایه دعا (مامون)
دغل را نصت کن
امه‌اقا به زهر هما (اقای ما را زهر

عید خرامون آمد (عید خرامان آمد)
باش دو خندون آمد (با شادی و
خندان آمد)
مژده دهید دو ستون (ای دوستان
مژده بدهید)
نوروز سلطون آمد (نوروز سلطان
آمد)

منابع

۱. هنری، مرتضی. نوروزگان (گفتارها و سرودهایی در آیین‌های نوروزی). ویراستار مجتبی مقدسی. سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. تهران. ۱۳۸۵.
۲. نصری اشرفی، جهانگیر. خنیاگران نوروزی (نوروز خوانی در فرهنگ ایران و ماوراءالنهر). ویراستار سیاوش نصری اشرفی. مازندران سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. ۱۳۸۵.